



مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال اقدامات ارتش های خصوصی

ریحانه دروگری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

گروه حقوق عمومی و بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

reihanehderowgari@yahoo.com

دکتر پیمان حکیم زاده خوئی (نویسنده مسئول)

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

گروه حقوق عمومی و بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

p_hakimzade@yahoo.com

چکیده

مسئولیت بین المللی، معمولاً به دولت به عنوان مهم ترین بازیگر عرصه حقوق بین الملل مربوط می گردد. هر چند نمی توان آن را از دیگر اشخاص حقوق بین الملل یعنی سازمان های بین المللی و در بعضی موارد افراد مطلقاً جدا نمود. مسئولیت دولت نیز دو مبنای کاملاً متفاوت دارد. رفتار و اعمال اشخاص خصوصی در حقوق بین الملل قابل انتساب به دولت نمی باشد. دولت مسئول اعمال نمایندگان خود است، بنابراین اگر اشخاص خصوصی به نمایندگی از طرف دولت اقدام به فعالیتی نمایند و مرتکب نقض تعهدی گردند، در این حالت می توان دولت را مسئول شناخت. ارتش های خصوصی دارای ساختار و تشکیلات سازمانی ویژه ای هستند که در آن مسئولیت اعمال اعضاء بر عهده فرماندهان آن هاست. این اشخاص خصوصی دارای سلسله مراتب نظامی می باشند. بنابراین باید دید چه معیاری برای انتساب اعمال ارتش های خصوصی به دولت ها باید مورد توجه قرار گیرد؟

واژگان کلیدی: ارتش های خصوصی، مخاصمات مسلحانه، حقوق بشردوستانه، مسئولیت بین المللی دولت



مقدمه

شرکت‌های نظامی خصوصی یکی از جدیدترین بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی هستند که در سراسر جهان در موقعیت‌های مختلف نظامی فعالیت می‌کنند اما نقش و مسئولیت آنها در حقوق بین‌الملل ناشناخته است. نگرانی خاص در این زمینه کاهش کنترل دولت بر فعالیت‌های نظامی و امنیتی و همچنین فقدان مکانیسم پاسخگویی مناسب و کافی برای سوء رفتار این ارتش‌ها است. مسئولیت^۱ در لغت مصدر جعلی از ریشه سأل به معنای بازخواست، مواخذه، ضمان و ضمانت است. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳۹، ج ۳) «مسئولیت بین‌المللی از ابداعات حقوقی است که به موجب آن، دولت ناقض یک قاعده بین‌المللی موظف است خسارات حقوقی ناشی از این نقض را در قبال دولت دیگر جبران کند.» (فیوضی، ۱۳۷۹، ص ۳) دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارخانه کورزو^۲ در خصوص مسئولیت بین‌المللی اعلام می‌دارد: که مسئولیت بین‌المللی یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل است که نقض تعهد، الزام به جبران خسارت را موجب خواهد شد.

مفهوم مسئولیت بین‌المللی

مطابق تعریف ارائه شده توسط پاول روتر^۳ مسئولیت در دل حقوق بین‌الملل نهفته است. تعریف سنتی مسئولیت بین‌المللی همانگونه که هوگو گروسیوس بیان می‌کند از مفاهیم حقوق داخلی گرفته شده است. از این منظر، زمانی که فعلی سبب ایجاد خسارت می‌گردد و جبران خسارت ضرورت پیدا می‌کند، در این حالت باید گفت که فعل مزبور سبب ایجاد مسئولیت گردیده است. (Crawford & pellet & olleson, 2010, p3)

مفهوم اساسی و بنیادین مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در ماده ۱ طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان شده است: «هر فعل متخلفانه بین‌المللی دولت، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت است.»

«اصطلاح عمل متخلفانه بین‌المللی ناظر بر تمامی رفتارهای متخلفانه از یک فعل مثبت یا از یک ترک فعل یا قصور در انجام ناشی شود. بنابراین می‌تواند شامل یک یا چند فعل یا ترک فعل و یا تلفیقی از هر دو باشد. رفتاری که براساس حقوق بین‌الملل متخلفانه محسوب می‌شود، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت است.» (کرافورد، ۱۳۹۵، صص ۷۸-۷۹)

مسئولیت دولت‌ها برای تحقق، بر لزوم رعایت تعهدات بین‌المللی استوار است. در حقوق بین‌الملل برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت وجود شرایط ذیل ضروری است:

۱- نقض یک تعهد بین‌المللی

۲- ایراد خسارت

۳- وجود رابطه سببیت میان نقض تعهد و ایراد خسارت

۴- قابلیت انتساب عمل زیان‌آور به یک رکن دولتی (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۱۷)

ماده ۲ طرح مواد کمیسیون در این زمینه مقرر می‌دارد: «فعل متخلفانه بین‌المللی دولت، هنگامی محقق می‌شود که رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد و نقض تعهد بین‌المللی آن دولت تلقی شود.»

نظریه‌های مربوط به مسئولیت

«مسئولیت دولت‌ها بر لزوم رعایت تعهدات بین‌المللی منطبق با معیارهای معمول جامعه بین‌المللی استوار است و اینکه حقوق بین‌الملل، فعل یا ترک فعل یک دولت را تا چه اندازه مشروع یا نادرست بدانند. از نظر حقوق بین‌الملل سنتی فعل و ترک فعل‌هایی که مشروع شناخته شوند برای دولت مسئولیت ایجاد نمی‌کنند. به عبارت دیگر مسئولیت تنها بر خطا مبتنی است، اما پیشرفت در صنعت و تکنولوژی و خسارات حاصل از فعالیت‌های خطرناک و در عین حال قانونی نیز سبب مسئولیت دولت می‌شوند که در این حالت خطر این عمل قانونی، زمینه‌ساز مسئولیت دولت خواهد بود.» (مستقیمی، طارم سری، ۱۳۷۷، صص ۲۱-۲۲)

به طور کلی در رابطه با مسئولیت بین‌المللی سه نظریه مطرح است:

۱. نظریه خطا (مسئولیت ذهنی)

۲. نظریه خطر (مسئولیت عینی)

1 . Responsibility
2 . Chorzow factory case, 1927
3 . Paul Reuter



۳. نظریه مسئولیت برای اعمال منع نشده

نظریه خطر (مسئولیت عینی)

طبق این نظریه نیازی به اثبات تقصیر وجود ندارد. هرگونه تخلف نسبت به یک قاعده حقوقی می‌تواند موجب مسئولیت دولت گردد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷، ص ۴۷۱)

نظریه خطر مسئولیت دولت را مطلق تلقی می‌کند. به عبارتی اگر عملی غیرقانونی توسط یکی از عوامل دولت موجب صدمه گردد، دولت مزبور مسئول خواهد بود. (شاه، ۱۳۸۹، ص ۳۱۱)

نظریه خطا (مسئولیت ذهنی)

نظریه خطا عمدتاً به عنوان نظریه تقصیر شناخته می‌شود که بر عمد و تقصیر در رفتار دولت‌ها اشاره دارد. بایستی خطا و سهل‌انگاری صورت گیرد تا مسئولیت تحقق یابد.

نظریه خطا برای اولین بار توسط هوگو گرسیوس با اقتباس از حقوق روم مطرح گردید. اصل مسئولیت ناشی از خطا در آرای قضایی نیز مورد توجه قرار گرفته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در رای قضیه کانال کورفو اعلام می‌کند: مقامات آلبانی هیچ تلاشی برای جلوگیری از انفجار مین‌ها انجام نداده و چنین ترک فعلی موجب مسئولیت بین‌المللی دولت آلبانی خواهد بود. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز طرح مسئولیت را محدود به مسئولیت مبتنی بر خطا قرار داده و در ماده ۱ اعلام می‌کند: «هر عمل از نظر بین‌المللی نادرست یک دولت، متضمن مسئولیت بین‌المللی آن دولت است» هرچند این ماده محدود به اعمال نادرست شده اما کمیسیون مسئولیت دولت را به جهت اعمالی که از نظر حقوق بین‌الملل قانونی هستند را نیز پذیرفته است. (مستقیمی، طارم سری، ۱۳۷۷، صص ۲۳-۲۲)

نظریه مسئولیت ناشی از اعمال منع نشده

«برخلاف نظریات کلاسیک خطا و خطر که به موجب آنها، الزام به جبران خسارت خصوصیت ثانوی، فرعی و با واسطه دارد، یعنی ابتدا و مقدمتاً باید تعهد بین‌المللی نقض شده و سپس چنین الزامی را به دنبال داشته باشد، در نظریه مسئولیت برای اعمال منع نشده، ترمیم و جبران خسارت یک تعهد اولیه بوده و منوط به تحقق قبلی یک عمل خلاف بین‌المللی نمی‌باشد. به بیان دیگر طبق این نظریه صرف ورود خسارت یک کشور به کشور دیگر مبنای ایجاد مسئولیت است هرچند رفتار یا عملی که صورت گرفته از دید حقوق بین‌الملل مجاز بوده است» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲، ص ۳۸۸)

انتساب رفتار ارتش‌های خصوصی به دولت

بنابر ماده ۵ پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت: «رفتار شخص یا نهادی که ارگان دولتی در مفهوم ماده ۴ محسوب نمی‌شود اما به موجب قانون آن دولت، مجاز به اعمال اقتدارات دولتی است به موجب حقوق بین‌الملل، فعل آن دولت محسوب می‌شود مشروط بر آن که شخص یا نهاد مزبور در قضیه ذی‌ربط در این سمت عمل کرده باشد.»

با توجه به مفاد این ماده می‌توان دریافت که در مواردی که یک نهاد، ارگان دولتی نباشد می‌تواند سبب مسئولیت دولت گردد. در حقیقت وضعیتی است که اقتدارات دولتی یا حاکمیتی به نهادی که رسماً نماینده دولت نیست اما تحت دستور، هدایت یا کنترل آن عمل می‌کند تفویض شده است. (کرافورد، ۱۳۹۵، ص ۱۷۶)

«به عنوان مثال در برخی از کشورها ممکن است با موسسات و شرکت‌های امنیتی خصوصی قراردادی منعقد شود تا به عنوان نگهبانان زندان فعالیت کنند، آن‌ها در این سمت ممکن است برخی اقتدارات عمومی را اعمال کنند. مانند اختیار بازداشت و تنبیه براساس یک تصمیم قضایی یا مقررات حاکم بر زندان‌ها» (کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸، ص ۵۳)

ماده ۵ از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا در حال حاضر شمار روزافزونی از عملکردهای حکومت به نهادهای دیگر محول شده است. فعالیت ارتش‌های خصوصی همچون بلک‌واتر، سرویس زنون، داین کورپ در عراق و افغانستان توسط ایالات متحده از نمونه‌های بارز در این زمینه است. (کرافورد، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷)

رفتار و اعمال اشخاص خصوصی در حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت نمی‌باشد. دولت مسئول اعمال نمایندگان خود است، بنابراین اگر اشخاص خصوصی به نمایندگی از طرف دولت اقدام به فعالیتی نمایند و مرتکب نقض تعهدی گردند، در این حالت می‌توان دولت را مسئول شناخت.



ارتش‌های خصوصی دارای ساختار و تشکیلات سازمانی ویژه‌ای هستند که در آن مسئولیت اعمال اعضاء بر عهده فرماندهان آن‌هاست. این اشخاص خصوصی دارای سلسله مراتب نظامی می‌باشند. بنابراین باید دید چه معیاری برای انتساب اعمال ارتش‌های خصوصی به دولت‌ها باید مورد توجه قرار گیرد؟

معیار کنترل مؤثر^۴

طبق نظریه کنترل مؤثر ارتباط میان دولت و فعال غیردولتی باید به نحوی باشد که تحت کنترل کامل دولت بوده و متکی به آن باشد بدون هیچ‌گونه استقلالی. (زمانی و میرزاده، ۱۳۹۳، ص ۸۸)

نظریه کنترل مؤثر توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه مطرح شد. براساس این قضیه ایالات متحده آمریکا در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی که در نیکاراگوئه در جریان بود به نفع شورشیان موسوم به کنتراها اقدام به دخالت نموده بود. در جریان رسیدگی دیوان، این پرسش مطرح شد که آیا نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط اشخاص خصوصی (کنتراها) قابل انتساب به ایالات متحده است یا نه؟ (ممتاز، شایگان، ۱۳۹۳، ص ۳۱)

دیوان نتیجه‌گیری کرد که ایالات متحده آمریکا به جهت عدم وابستگی تام با کنتراها نمی‌تواند مسئول تمامی اقدامات آن‌ها باشد؛ چرا که به حد کافی براعمال کنتراها کنترل نداشته است. مسئولیت ایالات متحده مطابق نظر دیوان به جهت نقض ممنوعیت توسل به زور به جهت حمایت مستقیم از کنتراها می‌باشد. کنترل کلی ایالات متحده از جمله آموزش دادن، تأمین و حمایت لجستیک برای احراز مسئولیت آن کافی نیست. (کرافورد، ۱۳۹۵، صص ۲۰۴-۲۰۵)

معیار کنترل کلی^۵

در معیار کنترل کلی برخلاف کنترل مؤثر، سطوح پایین کنترل دولت برای انتساب مسئولیت کفایت می‌کند. شعبه تجدید نظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ ۶ اعلام می‌کند همین که دولت با هماهنگی کردن و برنامه‌ریزی کلی فعالیت‌های نظامی گروه‌های خصوصی، کنترلی کلی نسبت به آن‌ها داشته باشد رفتارهای متخلفانه این گروه‌ها به دولت مزبور قابل انتساب خواهد بود. «کمسیون حقوق بین‌الملل به هنگام تصویب نهایی طرح مسئولیت بین‌المللی در اجلاس سال ۲۰۰۱ رویه قضایی دادگاه یوگسلاوی سابق را مدنظر قرار داده است؛ چرا که کمیسیون در ماده ۸ تحت عنوان "رفتار تحت کنترل یا هدایت دولت"، عامل دیگری را هم به صورت مکمل آورده که انتساب اعمال افراد به دولت را آسان‌تر می‌کند. طبق این ماده رفتار یک فرد یا گروهی از افراد عمل دولت محسوب می‌شود، اگر این فرد یا گروه براساس دستور، هدایت یا کنترل این دولت مرتکب رفتار متخلفانه شوند». (ممتاز، رنجبریان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵)

حال با توجه به معیارهای مؤثر و کلی، مسأله اصلی چگونگی انتساب رفتار ارتش‌های خصوصی به دولت‌ها است. سوال اساسی در این زمینه این است که مسئولیت براساس کدام معیار و به کدام دولت قابل انتساب خواهد بود؟

مطابق ماهیت ارتش‌های خصوصی که به نوعی شرکت‌های خصوصی هستند که در کشوری تشکیل گردیده و بنابر درخواست دولت‌های مختلف به فعالیت می‌پردازند، بایستی گفت چنین ارتش‌هایی وابسته به یک کشور خاص نیستند و بحث نحوه تشکیل شرکت در کشور متبوع آن‌ها، ارتباطی به مسئولیت بین‌المللی دولت استخدام کننده ندارد.

به عبارتی زمانی که شرکت بلک‌واتر وارد مخاصمه‌ای می‌گردد، نمی‌توان از مسئولیت ایالات متحده به عنوان دولت متبوع به جهت نقض تعهدات آن‌ها سخن به میان آورد. کنترل این دولت صرفاً در جهت نحوه و ضوابط تشکیل، نوع سلاح‌های مجاز مورد استفاده و... می‌تواند مطرح باشد.

بنابراین در ارتش‌های خصوصی چه براساس معیار کنترل کلی و چه معیار کنترل مؤثر، دولت استخدام کننده مسئولیت بین‌المللی اقدامات ناشی نقض قواعد توسط این ارتش‌ها را برعهده خواهد داشت؛ چراکه ارتش‌های خصوصی، وضعیت نیروهای نظامی دولتی را نخواهند داشت تا بتوان براساس معیارهای فوق‌الذکر به تعیین مسئولیت پرداخت. فعالیت ارتش‌های خصوصی صرفاً تحت کنترل یک دولت قرار دارد. در عرصه مخاصمات مسلحانه نیز بحث از نحوه فعالیت و عملکرد چنین نیروهای خصوصی است و نه نحوه تشکیل آن‌ها.

۴. Effective Control

۵. Overall control

۲. داسکو تادیچ نگهبان یکی از کمپ‌های بازداشت بوسنی در اطراف شهر پریچودور کشور بوسنی و هرزگوین بود که در قتل عام حدود ۱۴۰۰۰ انسان مشارکت کرده بود وی براساس اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق به مشارکت در جرایم علیه بشریت محکوم شد.



تعهدات بین‌المللی و نقض آن

منظور از تعهدات بین‌المللی، تعهدات حقوقی دولت، طبق حقوق بین‌الملل است و شامل تعهدات دارای ماهیت اخلاقی یا تعهدات مبتنی بر نزاکت بین‌المللی نیست. از این رو می‌توان گفت به جز نظم حقوق بین‌الملل، هیچ نظم دیگری نمی‌تواند برای دولت‌ها تعهدات حقوقی ایجاد نماید. (مستقیمی، طارم سری، ۱۳۷۷، ص ۸۰)

نقض هر تعهد بین‌المللی مستلزم مسئولیت بین‌المللی دولت است. مسئولیت دولت به این نحو، نتیجه تعهد دولت بر طبق حقوق بین‌الملل است. دو عنصر اساسی برای اینکه ثابت شود دولتی تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرده است باید وجود داشته باشد که عبارتند از: باید فعل یا ترک فعل صورت گرفته قابل انتساب به دولت باشد عمل باید نقض تعهد بین‌المللی باشد.

تبیین قاعده تضمین و احترام به قواعد حقوق بشردوستانه

«ویژگی اساسی هر قاعده حقوقی، الزام‌آور بودن آن است قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز از جمله قواعد الزام‌آوری است که باید در زمان مخاصمات مسلحانه رعایت و اجرا شود و رعایت آن‌ها مورد تضمین واقع گردد.» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲، ص ۳۵)

ماده ۱ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل اول و سوم الحاقی که به ماده ۱ مشترک معروف است، از تمامی دولت‌های متعاقد می‌خواهد که مفاد قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در همه شرایط رعایت و احترام به قواعد آن را توسط اتباع خود تضمین نمایند.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیر خود از ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو اظهار می‌دارد که: وظیفه تضمین احترام، محدود به رفتار طرفین مخاصمه نیست بلکه شامل الزاماتی است که تمامی دولت‌ها بایستی برای اطمینان از احترام به قواعد بشردوستانه باید انجام دهند. (Pictect, 1987, p18)

در بیانیه کنفرانس بین‌المللی برای حفاظت از قربانیان جنگ در سال ۱۹۹۳، شرکت‌کنندگان متعهد شدند که با همکاری سازمان ملل متحد و مطابق با منشور ملل متحد برای اطمینان کامل از انطباق با قواعد حقوق بشردوستانه در صورت نسل‌کشی یا نقض شدید این قواعد به طور قطعی مسئولیت خود را براساس ماده ۱ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه را پذیرفته و احترام به حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تضمین نمایند.

دولت‌ها جهت تضمین احترام به رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه موظف به اتخاذ اقدامات تأمینی مناسب هستند. بنابراین بایستی بر ارکان اجرایی و اداری در این خصوص نظارت کافی داشته باشند. دولت‌های متعاقد باید برای رعایت این قواعد آموزش‌های لازم را به نیروهای نظامی خود بدهند. آموزش و ترویج قواعد حقوق بشردوستانه از اقدامات اصلی دولت‌ها به شمار می‌رود.

اعضای نیروهای مسلح باید در ارتباط با حقوق و وظایفشان طبق مخاصمات آموزش ببینند. دولت‌ها موظف هستند که اقدامات خاصی برای تضمین رعایت حقوق بشردوستانه به عمل آورند از جمله:

با نقض فاحش این قواعد و ارتکاب جنایات جنگی برخورد کنند.

متن کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی را در سطح وسیع در زمان صلح و در زمان مخاصمه برای آگاهی مردم منتشر نمایند.

کنوانسیون‌های ژنو را به اعضای نیروهای مسلح و به ویژه پرسنل پزشکی، روحانیون و افراد مسئول امور اسرای جنگی آموزش دهند. (راجرز، مالرب، ۱۳۸۷، صص ۳۱۴-۳۱۵)

تعهدات و مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات ارتش‌های خصوصی

دولت‌ها امروزه در عرصه حقوق مخاصمات مسلحانه، اقدام به استخدام نیروهای نظامی خصوصی برای انجام وظایف و فعالیت‌هایی که به طور معمول برای عهده سربازان و نیروهای نظامی دولتی است، می‌نمایند. از جمله: شرکت مستقیم در مخاصمات، نگهداری و محافظت، بازداشت و بازجویی.



فعالیت ارتش‌های خصوصی در مخاصمات مسلحانه برای دولت‌های مختلفی از جمله دولت استخدام‌کننده، دولت متبوع ارتش، دولت صاحب سرزمین، تعهدات و مسئولیت‌هایی را به بار می‌آورد که از نظر مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و همچنین قواعد حقوق بشری قابل بررسی است.

نتیجه‌گیری

ارتش‌های خصوصی چهره برجسته‌ای از سیستم بین‌المللی پیشین هستند که در حدود پنج قرن پابرجا بوده‌اند. با این حال ترکیبی از عوامل عملکردی و هنجاری دولت‌ها را به تدریج به سمت واگذار کردن اقدامات و فعالیت‌های نظامی به بازارهای بین‌المللی سوق داد. از قرن ۱۹ میلادی انحصار دولت نسبت به اعمال زور از طریق ارتش‌های خصوصی تبدیل به الگوی جنگ بین‌المللی شد. ظهور و گسترش سریع ارتش‌های خصوصی در اوایل دهه ۱۹۹۰ این پارادایم را به چالش کشید که نشانگر تغییر مهمی در درک امنیت بین‌المللی مدرن بود. در دو دهه گذشته ارتش‌های خصوصی در قالب پیمانکاران مختلف در سراسر جهان به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مختلف ارائه خدمات داده‌اند. قواعدی وجود دارند که بر اقدامات و فعالیت‌های ارتش‌های خصوصی به عنوان بازیگران غیردولتی حاکم هستند. از جمله قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، توافق‌نامه‌های مختلف حقوق بشری و هنجارهای خاص حقوق بین‌الملل عرفی که همگی فعالیت‌ها و رفتارهای ارتش‌های خصوصی را پوشش می‌دهند. با این وجود قوانین ملی در این زمینه بسیار نادر هستند و چارچوب خود تنظیمی از لحاظ حقوقی الزام‌آور نمی‌باشد. هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت مستلزم مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌باشد. هنگامی دولتی مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی قلمداد می‌شود که رفتار متضمن فعل یا ترک فعل ذیربط: طبق حقوق بین‌الملل به آن دولت منتسب شود و به منزله نقض تعهد بین‌المللی آن دولت باشد. مطابق ماده ۸ پیش نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت و همچنین رویه دیوان بین‌المللی دادگستری رفتار اشخاص خصوصی به دولت عموماً در چارچوب ضابطه کنترل، قابلیت انتساب را دارد. ماده ۸ مقرر می‌دارد: رفتار شخص یا گروهی از اشخاص به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت تلقی می‌شود در صورتیکه شخص یا اشخاص مزبور در انجام رفتار مزبور در واقع به دستور تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند. یک رفتار متخلفانه از سوی ارتش‌های خصوصی می‌تواند به دولت استخدام‌کننده ارتش و اعضای آن نسبت داده شود. دولت‌ها اعم از دولت استخدام‌کننده، دولت متبوع و صاحب سرزمین متعهد به رعایت قواعد حقوق بشردوستانه هستند. بنابراین زمانیکه از ارتش‌های خصوصی در مخاصمات مسلحانه استفاده می‌نمایند باید آموزش‌های لازم را به این افراد ارائه نموده و بر فعالیت‌های آنها نظارت داشته باشند. قواعد حقوق بشردوستانه قواعدی جهانشمول هستند که دولتها در این خصوص نسبت به کل جامعه بین‌المللی تعهد دارند و بنابراین عدول و نقض این تعهدات در هر صورت مسئولیت بین‌المللی را برای دولت به دنبال دارد.



منابع

۱. انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی، (۱۳۸۴)، *دانشنامه حقوق خصوصی*، تهران: انتشارات محراب، چاپ اول، جلد ۳
۲. راجز، آنتونی پ.و؛ مالرب، پل، (۱۳۸۷)، *قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم
۳. زمانی، سیدقاسم؛ میرزاده، منالسادات، (۱۳۹۳)، *انتساب اعمال متخلفانه اشخاص خصوصی به دولت بر اساس معیار کنترل: رویه دیوان دآوری دعای ایران - آمریکا، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال شانزدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۳، ۸۱-۱۰۷
۴. شاو، ملکم، (۱۳۸۹)، *حقوق بین الملل*، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ سوم
۵. صفایی، سید حسین، (۱۳۷۵)، *حقوق بین الملل و داوری های بین المللی*، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول
۶. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، *حقوق بین الملل عمومی*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سی و دوم
۷. _____، (۱۳۹۲)، *حقوق بین الملل بشردوستانه*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول
۸. فیوضی، رضا، (۱۳۷۹)، *حقوق بین الملل مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
۹. کرافورد، جیمز، (۱۳۹۵)، *حقوق مسئولیت بین المللی*، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، سیامک کریمی، حسن خسروشاهی، پریسا روشنفکر، تهران: انتشارات سنگلج قلم، چاپ اول
۱۰. کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد، (۱۳۸۸)، *مسئولیت بین المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل*، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، تهران: انتشارات شهردانش، چاپ اول
۱۱. مستقیمی، بهرام؛ طارم سری، مسعود، (۱۳۷۷)، *مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
۱۲. ممتاز، جمشید؛ رنجریان، امیرحسین، (۱۳۸۴)، *حقوق بین الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول
۱۳. _____؛ شایگان، فریده، (۱۳۹۳)، *حقوق بین الملل بشردوستانه در برابر چالش های مخاصمات مسلحانه عصر حاضر*، تهران: انتشارات شهردانش، چاپ اول
14. Crawford, James & Pellet, Alain & Olleson, Simon & Parlett, Kate, (2010), *The Law of International Responsibility*, Oxford: University Press
15. Pictet, Jean, (1987), *Commentary on the Additional Protocols*, Geneva: Martinus Nijhoff Publishers

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop